

فصل ششم

مسئولیت پذیری، کنترل و نظارت بر هوش مصنوعی در پیدایش خطاهای احتمالی

گردآوردگان:

دکتر محمدعلی مظلومی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر شهریار اسلامی تبار

مدیریت امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی هوشمند

دکتر محمدامین فرزانه

مدیر گروه حقوق خصوصی پژوهشگاه قوه قضاییه

دکتر مسائلی

دکتر مهدی خرازی

عضو هیات علمی گروه هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی شریف

دکتر محمود رضاهاشمی

عضو هیات علمی گروه هوش مصنوعی دانشگاه تهران

سوالات کلیدی:

۱. چه اقداماتی باید انجام شود تا اطمینان حاصل شود که سیستم‌های هوش مصنوعی به درستی عمل می‌کنند و از خطاها جلوگیری می‌شود؟
۲. چگونه می‌توان بهبود مسئولیت پذیری سیستم‌های هوش مصنوعی را تضمین کرد تا در صورت وقوع خطا، مسئولیت آن به درستی قابل تعقیب باشد؟
۳. چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که سیستم‌های هوش مصنوعی در مواجهه با داده‌های جدید یا شرایط ناپیش‌بینی، به درستی عمل می‌کنند؟
۴. آیا وجود یک فرآیند قوی برای تست و ارزیابی سیستم‌های هوش مصنوعی و افزایش اطمینان از عملکرد آنها می‌تواند در کاهش خطر خطاهای احتمالی مؤثر باشد؟
۵. چگونه می‌توان از تکنولوژی‌های مختلف مانند تکنیک‌های توجه، ترکیب داده، و تحلیل داده برای کاهش خطرات و افزایش اعتماد به سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده کرد؟
۶. در صورت بروز خطا در بکارگیری تجهیزات مبتنی بر هوش مصنوعی و بروز ضررها و آسیب‌های انسانی، مسئولیت متوجه چه کسی خواهد بود؟

هوش مصنوعی، با پیشرفت سریع خود، ما را به یک مرز جدید از پیشرفت فناوری و اختراعات هدایت می‌کند. اما همراه با این پیشرفت، مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی نیز به وجود می‌آید که نیازمند توجه و بررسی دقیق است. دو مسئله اساسی در این راستا شامل دوگانه هوش مصنوعی و حقوق برای هوش مصنوعی می‌باشند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۶-۱ - دوگانه هوش مصنوعی:

دوگانه هوش مصنوعی به مفهوم تعامل بین هوش مصنوعی و انسان اشاره دارد. در اینجا، هوش مصنوعی به طور همزمان با انسان‌ها در یک محیط کاری یا زندگی فعالیت می‌کند. این امر از چالش‌ها و فرصت‌های فراوانی برای جوامع و حقوق برای هر دو طرف همراه است، که چالش‌های آن عبارتند از:

- ترس از جایگزینی: بسیاری از افراد نگران جایگزین شدن توسط هوش مصنوعی هستند که می‌تواند به عدم اطمینان شغلی و افزایش بیکاری منجر شود.
- موضوعات اخلاقی: هوش مصنوعی ممکن است به اخلاقیات انسانی پایبند نباشد و تصمیم‌گیری‌هایی را انجام دهد که با ارزش‌ها و اعتقادات انسانی مغایرت دارد.
- تفاوت در قابلیت‌ها: هوش مصنوعی می‌تواند برخی از وظایف را بهتر از انسان‌ها انجام دهد، که می‌تواند به تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود.

اما بکارگیری هوش مصنوعی فرصتهایی را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- توسعه فناوری: همکاری بین انسان و هوش مصنوعی می‌تواند به توسعه فناوری و ابتکارات جدید منجر شود که تنها با تلاش انسان امکان‌پذیر نبوده است.

۲- افزایش بهره‌وری: هوش مصنوعی می‌تواند بهبودهای قابل ملاحظه‌ای در فرآیندها و خدمات مختلف ایجاد کند که منجر به افزایش بهره‌وری و کارایی می‌شود.

۳- شکل‌دهی به آینده با استفاده از دوگانه هوش مصنوعی، می‌توانیم آینده‌ای را تصور کنیم که از جایگاه بشر و هوش مصنوعی بهره‌مند باشد.

۲-۶- حقوق برای هوش مصنوعی:

حقوق برای هوش مصنوعی به مجموعه قوانین، مقررات و اصولی اشاره دارد که برای حفظ حقوق و تضمین تعامل مسئولانه و اخلاقی با هوش مصنوعی لازم است. اما نکته قابل تامل آن است که تعریف و تدوین حقوق برای هوش مصنوعی به دلیل کمبود یک تفاهم عمومی در مورد حقوق و وظایف آن موضوعی پیچیده است. از طرف دیگر، چگونگی تعیین و پاسخ به مسائلی که ناشی از عملکرد هوش مصنوعی باشد، یکی از چالش‌های اساسی حقوق برای هوش مصنوعی است.

لذا چارچوب‌گذاری برای حقوقی کردن هوش مصنوعی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دنیای امروزی است. این موضوع به دلیل پیشرفت سریع فناوری هوش مصنوعی و نیاز به تضمین اخلاقی و قانونی در توسعه و استفاده از آن به وجود آمده است. مبانی حقوقی هوش مصنوعی شامل مجموعه‌ای از اصول، قوانین، و مقررات حقوقی است که برای تنظیم و مدیریت فعالیت‌های مرتبط با هوش مصنوعی ارائه می‌شود. این مبانی ممکن است شامل قوانین مرتبط با حقوق مالکیت فکری، حفاظت از داده‌ها، حقوق کاربران، و مسئولیت‌های حقوقی مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی باشد. از طرف دیگر مبانی حقوقی هوش مصنوعی به ما کمک می‌کنند تا مالکیت فکری در زمینه‌هایی مانند الگوریتم‌ها، مدل‌های آموزش دیده، و داده‌های استفاده شده در سیستم‌های هوش مصنوعی را تعیین و حفظ کنیم و از طرفی حقوق کاربران را که با سیستم‌های هوش مصنوعی تعامل دارند، مانند حقوق حریم خصوصی و امنیت داده‌ها، را تضمین کنیم.

در خصوص تعیین مسئولیت‌ها و تعهدات، بایستی به دو مسئولیت مدنی-کیفری و مسئولیت اخلاقی اشاره نمود. مسئولیت مدنی-کیفری به ما کمک می‌کنند تا مسئولیت‌های حقوقی مرتبط با عملکرد و تصمیم‌گیری‌های سیستم‌های هوش مصنوعی را مشخص کنیم و در صورت لزوم افراد یا سازمان‌ها را مسئول قرار دهیم. اما علاوه بر

مسئولیت‌های حقوقی، مبانی حقوقی هوش مصنوعی می‌توانند مسئولیت‌های اخلاقی مرتبط با استفاده از این فناوری را نیز مشخص کنند.

بررسی ارتباط بین نظام مالکیت و مسئولیت در زمینه هوش مصنوعی بسیار حیاتی است. برنامه‌های کامپیوتری و الگوریتم‌هایی که در پشت سیستم‌های هوش مصنوعی قرار دارند، به عنوان اثرهایی از تلاش و خلاقیت انسانی محسوب می‌شوند و می‌توانند تحت حمایت حقوق مالکیت فکری قرار گیرند. از طرفی مدل‌های آموزش دیده در زمینه هوش مصنوعی که بر پایه داده‌های آموزشی توسعه یافته‌اند، نیز ممکن است مورد حفاظت حقوق مالکیت فکری قرار گیرند. لذا هر گونه استفاده از برنامه‌ها، الگوریتم‌ها، یا مدل‌های آموزش دیده باید با رعایت حقوق مالکیت فکری و اجازه مالک یا صاحب حقوق انجام شود. مالکان می‌بایست از حقوق خود در قبال استفاده غیرمجاز یا سوءاستفاده از آثار هوش مصنوعی محافظت کنند و در صورت نقض حقوق خود، اقدامات قانونی لازم را انجام دهند.

در خصوص مسئولیت در زمینه هوش مصنوعی، دو نوع مسئولیت مدنی و کیفری وجود دارد. مسئولیت مدنی مربوط به مسئولیت تضمین کارکرد صحیح و مسئولیت ناشی از تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی است. در مسئولیت مدنی، توسعه‌دهندگان و مالکان سیستم‌های هوش مصنوعی مسئولیت دارند که اطمینان حاصل کنند که سیستم‌های آنها به درستی عمل کرده و هر گونه خطا یا ضرر ناشی از عملکرد آنها را بهبود دهند. در صورتی که سیستم هوش مصنوعی تصمیم‌هایی انجام دهد که منجر به خسارت یا آسیب به افراد یا مالکیت فکری شود، مسئولیت مدنی نیز مطرح می‌شود. مسئولیت کیفری به مسئولیت ناشی از نقض قوانین برمی‌گردد. به عبارت دیگر، اگر عملکرد سیستم هوش مصنوعی منجر به نقض قوانین و مقررات قانونی شود، مسئولیت کیفری نیز مطرح خواهد بود و افراد یا سازمان‌های مرتبط ممکن است مورد پیگیری قانونی قرار گیرند.

نظام مسئولیت عمومی شامل موارد مهمی از قبیل نکات زیر است:

۱- قواعد عمومی: قواعد حقوق مدنی مواد ۳۰۱ الی ۳۳۷ و ماده قانون مسولیت مدنی ۱۳۳۹: قانون مدنی کامل‌ترین و مهم‌ترین قانون در حقوق خصوصی و به اصطلاح حقوقی قانون مادر در این حوزه است. در کتاب شرح جامع قانون مدنی ۳۰۱-۳۳۷، این قانون به بررسی و تنظیم روابط خصوصی افراد جامعه با یکدیگر صرف نظر از شغل و جایگاه اجتماعی آنها می‌پردازد. قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به تصویب رسید و تا به امروز با اصلاحاتی نیز همراه بوده است. بسیاری از مواد این قانون مبنای فقهی و شرعی دارد. قانون مدنی در باب دوم از قسمت دوم در مورد الزاماتی که خارج از قرارداد حاصل می‌شود و یا به عبارتی الزامات غیر قراردادی صحبت می‌کند در واقع

الزامات خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی به معنی عام) تکالیفی است که در نتیجه امری که می تواند مشروع یا نامشروع باشد، بدون اینکه قراردادی در میان باشد، پدید می آید.

۲- قانون مجازات ۹۲: فصل ششم-موجبات ضمان

ماده ۴۹۲ - جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.

قواعد اختصاصی: برائت نامه در مسولیت پزشکان و قواعد حقوق بیمه مانند بیمه مسئولیت کارگران توسط کارفرما

ماده ۴۹۵ - هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام میدهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ

برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او بهدلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل میشود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت أخذ نکرده باشد

نظام مسئولیت کیفری شامل موارد زیر است:

مسئولیت شخص حقیقی: ماده قانون مجازات ۹۲ - ماده ۱۴ انواع مجازاتها- شرکت و معاونت مواد ۱۲۵ و ۱۲۶ قانون مجازات.

بخش چهارم- شرایط و موانع مسئولیت کیفری فصل اول- شرایط مسئولیت کیفری

ماده ۱۴۰ - مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار آمده است. « قصاص » باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم

ماده ۱۴۱ - مسئولیت کیفری، شخصی است.

ماده ۱۴۲ - مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیرشود.

ماده ۱۴۳ - در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است.

که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم می‌شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست. ماده ۱۴۴ - در تحقق جرایم عمدی عالوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

مسئولیت شخص حقوقی: ماده ۲۰ مجازات ۹۲ مجازات شخص حقوقی

در این خصوص دو راهکار اصلی وجود دارد که عبارتند از:

۱- حقوقی سازی هوش مصنوعی با رویکرد ساختار سازی و ایجاد چارچوب فعالیت‌ها:

با پیشرفت روزافزون در حوزه هوش مصنوعی، نیاز به یک چارچوب قانونی و حقوقی مناسب برای تنظیم و مدیریت فعالیت‌های مرتبط با این فناوری احساس می‌شود. ابتدا بایستی به بررسی چالش‌های اصلی موجود در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی پرداخته شود. یکی از چالش‌های اساسی در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، نبود قوانین و مقررات مناسب برای تنظیم و مدیریت این فناوری است. با توجه به پیشرفت روزافزون در حوزه هوش مصنوعی، قوانین موجود ممکن است نتوانند نیازهای جدید و پیچیده این فناوری را به خوبی پوشش دهند. یکی دیگر از چالش‌های مهم در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، وجود ابهامات در مسئولیت‌های حقوقی مرتبط با استفاده از این فناوری است. مسئولیت‌های متفاوتی ممکن است بر عهده توسعه‌دهندگان، سازندگان، کاربران، یا حتی سیستم‌های هوش مصنوعی خود باشد که می‌تواند به وجود ابهامات و تداخلات در قانون منجر شود. یکی از مسائل مهم دیگر در این زمینه، حفاظت از حقوق کاربران و افراد است که ممکن است در برابر تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی بدون شفافیت و انصاف آسیب ببینند. عدم وجود قوانین مناسب برای تضمین حقوق کاربران می‌تواند به مشکلات جدی در این زمینه منجر شود. چالش دیگری که در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی مطرح می‌شود، سوءاستفاده از این فناوری است. استفاده نادرست از هوش مصنوعی می‌تواند به آسیب‌های جدی اجتماعی، اخلاقی، و حقوقی منجر شود که نیاز به قوانین و مقررات مناسب برای جلوگیری از این نوع سوءاستفاده دارد. چالش بعدی مربوط به تعامل هوش مصنوعی با قوانین موجود است. قوانین موجود ممکن است با چالش‌ها و نیازهای جدید فناوری هوش مصنوعی همخوانی نداشته باشند و نیاز به تغییرات و بهبودهایی داشته باشند تا با این فناوری هماهنگ شوند.

در ادامه، به بررسی راهکارهای موجود و پیشنهادی برای حل این چالش‌ها پرداخته شده است. یکی از راهکارهای اساسی برای مقابله با چالش‌های ساختاردهی حقوقی هوش

مصنوعی، ایجاد قوانین و مقررات جدیدی است که با نیازهای جدید و پیچیدگی‌های این فناوری هماهنگ باشند. این قوانین می‌توانند حقوق و تعهدات افراد و شرکت‌ها را در استفاده از هوش مصنوعی تعیین کنند و مسئولیت‌های مربوط به سوءاستفاده و آسیب‌های ناشی از آن را مشخص کنند. بعلاوه، در صورتی که قوانین موجود نتوانند نیازهای جدید فناوری هوش مصنوعی را پوشش دهند، نیاز به تغییرات و بهبودهایی در این قوانین مطرح است. این تغییرات ممکن است شامل اصلاح مقررات موجود، افزودن بخش‌های جدید به قوانین، یا حتی ایجاد قوانین جدید باشد که با وضعیت واقعی این فناوری همخوانی داشته باشند. یکی دیگر از راهکارهای موثر در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، ترویج همکاری و تعامل بیشتر بین حقوق‌دانان و متخصصان فناوری است. این همکاری می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای جدید و نوآورانه برای مسائل حقوقی مرتبط با هوش مصنوعی شود و بهبودهای لازم در قوانین و مقررات ایجاد کند. از اولویت‌های مهم در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، حفظ حقوق کاربران و افراد است. برای این منظور، می‌توان راهکارهایی مانند ایجاد مقررات مشخص برای حفظ حریم خصوصی و اطلاعات شخصی، ایجاد مکانیزم‌های شفافیت در تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی، و توسعه رویکردهای مبتنی بر حقوق کاربران را ارائه داد. یکی از راهکارهای دیگر، تضمین شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی است. برای این منظور، نیاز است که مقررات و قوانین مناسبی برای اطمینان از شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری هوش مصنوعی و اطمینان از انصاف در این فرآیندها فراهم شود. این راهکارها و پیشنهادات می‌توانند بهبودهای لازم در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی ایجاد کنند و به ایجاد یک چارچوب قانونی و حقوقی مناسب برای استفاده از این فناوری کمک کنند.

۲- حقوق زدایی از هوش مصنوعی با تاکید بر تمرکز بر نوآور بودن و مانع زدایی

حقوق زدایی از هوش مصنوعی به معنای اعمال حقوقی و قوانینی است که به طور ضمنی یا آشکار، حقوق هوش مصنوعی را از مسئولیت‌ها و تعهدات حقوقی آزمایش می‌کند. این مفهوم به عنوان یکی از چالش‌های اصلی در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی مطرح می‌شود. یکی از اصول اساسی در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، تمرکز بر نوآوری است. با توجه به پیشرفت‌های سریع در حوزه هوش مصنوعی، نیازمندی به تطابق قوانین با نوآوری‌های جدید در این زمینه احساس می‌شود. قوانین و مقررات باید امکان ارزیابی و مدیریت اثرات مختلف هوش مصنوعی را بر افراد و جامعه را داشته باشند. یکی از هدف‌های اصلی حقوق زدایی از هوش مصنوعی، جلوگیری از مانع زدایی است. به این معنا که قوانین و مقررات باید بتوانند مانع از ایجاد موقعیت‌هایی شوند که هوش مصنوعی از مسئولیت‌های حقوقی خود در برابر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال خود معاف شود.

یکی دیگر از راهکارهای مهم برای جلوگیری از حقوق زدایی از هوش مصنوعی، تضمین مسئولیت آن است. این امر شامل تعیین مسئولیت‌های قانونی برای سیستم‌های هوش مصنوعی، تعیین مسئولیت‌های فردی یا حقوقی که از این سیستم‌ها استفاده می‌کنند، و تعیین مسئولیت‌های سازمانی برای توسعه‌دهندگان و توزیع‌کنندگان هوش مصنوعی است. از طرفی، به دلیل پیچیدگی و پویایی فناوری هوش مصنوعی، قوانین و مقررات نیازمند توسعه و به‌روزرسانی مداوم هستند. این امر شامل ایجاد قوانین قابل اجرا و انعطاف‌پذیر که بتوانند با تغییرات و نوآوری‌های مختلف در این حوزه هماهنگ شوند. در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، توجه به انصاف و اخلاق امری بسیار حیاتی است. قوانین باید توانایی اطمینان از این موضوع را داشته باشند که تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی به طور شفاف و عادلانه اتخاذ می‌شوند و از تبعیض‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های مصنوعی جلوگیری شود.

۶-۳- جمع بندی

در این جلسه، به بررسی چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی بر اساس ساختار موجود در نظام سلامت پرداخته شد. یکی دیگر از راهکارهای موثر در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی در سلامت به اتفاق آراء، ترویج همکاری و تعامل بیشتر بین حقوق‌دانان، متخصصان بالینی و نظام سلامت و متخصصان علوم داده و هوش مصنوعی است. این همکاری می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای جدید و نوآورانه برای مسائل حقوقی مرتبط با هوش مصنوعی شود و بهبودهای لازم در قوانین و مقررات ایجاد کند. این راهکارها شامل ایجاد قوانین و مقررات جدید، تغییرات در قوانین موجود به منظور تطابق با نیازهای جدید فناوری و ارائه راهکارهایی برای حفظ حقوق کاربران و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی بدون شفافیت و انصاف می‌باشد.

اما در این زمینه، نکات مهمی وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند. این نکات عبارتند از:

۱- شناسایی چالش‌های موجود:

ابتدا باید به چالش‌هایی که در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی مطرح می‌شود، اشاره کرد. این چالش‌ها شامل نبود قوانین مناسب، ابهامات در مسئولیت‌های حقوقی، نبود حفاظت کافی برای حقوق کاربران، سوءاستفاده از هوش مصنوعی، و تعامل با قوانین موجود می‌باشند.

۲- راهکارها و پیشنهادات:

برای مقابله با این چالش‌ها، ارائه راهکارها و پیشنهادات موثر ضروری است. این



پیشنهادات شامل ایجاد قوانین و مقررات جدید، تغییرات در قوانین موجود، ترویج همکاری بین حقوق‌دانان و متخصصان فناوری، حفظ حقوق کاربران، تضمین شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی، و توسعه قوانین پویا و قابل انعطاف می‌باشند.

۳- تمرکز بر نوآوری:

در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، تمرکز بر نوآوری از اهمیت بالایی برخوردار است. نیازمندی به تطابق قوانین با نوآوری‌های جدید در این زمینه حاکی از اهمیت این موضوع است.

۴- تضمین مسئولیت:

تضمین مسئولیت یکی از اصول اساسی در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی است. تعیین مسئولیت‌های قانونی برای افراد و سازمان‌های مرتبط با هوش مصنوعی، از جمله راهکارهای موثر در این زمینه است.

۵- توسعه قوانین پویا:

با توجه به پویایی و پیشرفت‌های سریع در حوزه هوش مصنوعی، قوانین و مقررات نیازمند توسعه و به‌روزرسانی مداوم هستند تا بتوانند با نوآوری‌های مختلف در این حوزه هماهنگ شوند.

۶- توجه به انصاف و اخلاق:

در ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی، توجه به انصاف و اخلاق امری بسیار حیاتی است. قوانین باید اطمینان از شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌های هوش مصنوعی را داشته باشند تا از تبعیض‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های مصنوعی جلوگیری شود.

با توجه به این موارد، مقابله با چالش‌های ساختاردهی حقوقی هوش مصنوعی نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ است که با همکاری نهادهای مرتبط، می‌تواند به ایجاد یک چارچوب حقوقی و قانونی مناسب برای استفاده از هوش مصنوعی کمک کند و از نوآوری‌های این فناوری بهره‌برده شود.

